

تیرماه ۱۳۸۱ خورشیدی

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است.

بنام خداوند جان و خرد

شرایط بسیار حساس ایران، در این بحرانی ترین منطقه جهان، ایجاب می کند تا برای نجات کشور، بر قدرت نشستگان بخود آیند و به خواستهای ملت برای ایجاد دگرگونیهای بنیادین گردن نهند، جریانهای مشکوک برون مرزی نیز باید بدانند که ملت ایران و نیروهای ملی، با شناخت کامل از اوضاع حساس کشور، نیازی به نسخه های آنها ندارند.

می گردید و کار روزنامه نگارانی که روزگاری و سالها در تحکیم پایه های نظام فعال بوده اند و پس از آنکه بخود آمدند و خواستند در کنار مردم قرار گیرند و حفظ منافع ملی را بر وابستگی های گروهی و جاه و پول و موقعیت ترجیح دهند به کجا کشید شد. و بالاخره در نهایت تأسف احساس کردند که آرزوهایشان برادر فته است.

آنچه گفته شده واقعیت های تلخی بود که طی سالهای گذشته و تا به امروز با آنها روبرو بوده و هستیم. ولی اینهمه بدان معنی نیست که باید گوش به گفته های کسانی سپرد که با هزاران کیلومتر فاصله و دور بودن از فضای سنگین این سرزمین طی سالهای بعد از ۵۷، بخود حق تعیین تکلیف برای ملت ایران را می دهند. این ملت یکبار به روشنی حاصل یک دگرگونی و زیر و رو شدن همه جانبه را تجربه کرده است و بر شرایط شدت بحرانی امروز خود بخوبی آگاهی دارد، و می داند که برخی از بر قدرت نشستگان بر آنند تا یکبار دیگر برای سوار شدن بر بحران و حفظ موقعیت خود کشور را در معرض خطر رودرویی برون مرزی قرار دهند. ملت می داند که شماری مزدوران در این سرزمین درصدد تحریک مردم در بخش هایی از کشور هستند. مردمی که به دلیل ضعف مدیریت، نبود برنامه حساب شده جامع نگر، سلطه یک گروه حکومتگر با دیدگاه ایدئولوژیک که حاصل آن تسلیم به این دولت است تا با درجه ای گشته، به شدت از اوضاع ناراضی هستند. ولی مهم اینست که این ملت تا به حال در طول تاریخ موجهای سهمگینی را از سر بدر کرده و همچنان بر روی پای خود ایستاده است. این ملت با تجربه هایی که بر او تحمیل کرده اند، امروز با درک آگاهانه از موقعیت خویش اجازه نمی دهد تا بار دیگر فاجعه تجزیه جدیدی را بر او تحمیل کنند. این ملت بر آنست تا با قطعیت ولی بردباری معقول، جناح قدرت طلب را وادار سازد که سرانجام با انجام یک همه پرسی به «استقرار حاکمیت ملی»، حکومت قانون، حفظ حرمت همه باشندگان این سرزمین، و از میان برداشته شدن ساختار شهروندی چند درجه ای و بالاخره گردن نهادن به جسمه ای آزاد و بسرکنار از سلطه حکومتگران مذهبی تن در دهد. مجموعه ای که منجر به ایجاد شرایطی مناسب برای گام برداشتن در مسیر توسعه همه جانبه و شکوفایی اقتصادی و بالندگی و پویایی فرهنگی این سرزمین کهنسال آهورایی خواهد گشت. ■

دانشجویی صورت گرفته و بالاخره برخورد های پلیسی و نظامی گرانه غیر منتظره در کوچه و خیابان و همه جا، عامل موضع گیری شدید دانشجویان و جوانان در برابر جناح قدرت طلب گردیده است، تا جائیکه موج خفت بار فرار از کشور و پناهنده شدن به هر جا که بشود ایجاد غیر منتظره ای به خود گرفته است. کم نیستند جوانانی که همراه زنان و کودکان خود همه زندگانشان را به حراج گزارده و برای زیستن در سرزمین های دیگر خود را بدست قاجاقچیان رذل سپرده اند و در رودخانه ها و دریاها غرق شده اند. آنها بیشتر برای گریز از خفقان و فضای نفس گیر حاکم بر کشور و نبود فرصت پیشرفت دست به گریز می زنند و در سرزمین های بیگانه به بدترین و سنگین ترین و ناهنجارترین کارها تن در می دهند، بر این امید که روزی یک انسان و یک شهروند به حساب آورده شوند. جریان دوم خرداد و اصلاح طلبی می توانست نقطه امید پر جاذبه ای باشد، به ویژه آنکه نقش آفرینان اصلی و موتور آن حرکت را خود همین نیروهای جوان و دانشجویان تشکیل می دادند. آنها برای مدتی با توجه به سخنان شفاف و موضع گیریهای آقای رئیس جمهور به شور و شوق آمده بودند، آنان امید داشتند که شرایط برای دگرگونیهای اساسی در مسیر حفظ منافع ملی در حال فراهم آمدن است. ولی دریافتند که آقای خاتمی توان آن را ندارد که برابر بر قدرت نشستگان آن طور که آنها امید داشتند و ملت می خواست بایستند، حتی ایشان قادر نیستند ترکیب مدیریت کشور را در جهت حفظ منافع ملی تغییر دهند و مدیران و مشاوران کارزان و صاحب نظری را برگزینند تا با برنامه ریزیهای سنجیده، کشور را از بحران نجات بخشند. کارها با همان ابزارها و در چارچوب همان اندیشه هایی که جناح انحصار طلب ریزی کرده است کم و بیش ادامه دارد. آنها معتقد بودند رئیس جمهور که اداره کشور بر عهده او است و به موجب قانون اساسی مسئول امور داخلی و خارجی است، باید نیروهای انتظامی را که اصلی ترین ابزار حفظ امنیت داخلی کشور است در دست داشته باشد، ولی یکبار دیدند که فاجعه ۱۸ تیر ماه دانشگاه تهران، رویداد غم انگیز دانشگاه تبریز و سپس ماجراهای دردناک خرم آباد و دیگر شهرها، یکی از پس دیگری روی می دهد و قوه قضائیه نیز، که در اختیار جناح صاحب قدرت است، انچنان برخوردی با مسئله می کند که همه را حیرت زده می سازد. دیدند که ماجرای قتل های سیاسی زنجیره ای به کجا ختم

برخوردهای شدید با ما نیست. ما باور داریم که هر حرکت سنجیده و بدون شتاب و واقعیت ها، نمی تواند حاصلی مطلوب در جهت نجات کشور و فراهم ساختن شرایط لازم برای توسعه همه جانبه داشته باشد. نفرت مردم از رژیم گذشته و خیزش همگانی آنها سبب گردید تا در کشوری که چندین دهه زیر فشار سیستم سلطه قرار داشت و سازمانهای سیاسی ملی آن بشدت در تنگنا قرار داشتند، یکبار همه چیز در هم بریزد و در کوتاهترین زمان، قدرت در اختیار گروه و جریانی قرار گیرد که برای قدرت انحصاری خود فضا را بیش از پیش ببندد و دوباره خفقان را حاکم سازد. امروز در ایران دم از آزادی زده می شود ولی فقط بر قدرت نشستگانند که از آزادی برخوردارند. آنها می توانند از تریبون نماز جمعه گرفته تا شرکت در مراسم مختلف هر چه می خواهند بگویند و هر نسبتی را که می خواهند به آزاد اندیشان، اهل قلم و اندیشمندانی که از سردرد و احساس مسئولیت سخن می گویند و می نویسند، بدهند، ناسزایشان گویند، تهمت زنند و تهدیدشان کنند. با این حال کم نیستند افرادی که از هر فرصتی برای نقد اوضاع و طرح نظریات خویش با قبول احضارها، بازجویی ها، تهدیدها، محاکمه ها و زندان رفتن ها، بهره می جویند تا هم گرد ناامیدی را از چهره جامعه بزدایند و هم زمینه را برای رشد جامعه مدنی و شکل گیری جریانهایی واقعی سازمانی ملی فراهم سازند. با وجود فشارهای شدیدی که بر نیروهای جوان دانشجویی وارد می شود، مدت هاست شاهد آنیم که در عمده شهرهای ایران، این نسل جوان آگاه به تکاپو افتاده و میکوشد تا با هر نام و امکانی که شده سازمانهایی را شکل بخشد و نشریاتی را برای پیام رسانی انتشار دهند. امروز با وجود کوشش های دو جناح در زمینه شکل دادن به تشکلهای سیاسی، اقبال نسل جوان و دانشجویان بیش از هر زمانی متوجه نگرش ملی و سازمانهایی است که طی بیش از نیم قرن در رود رویی با سلطه گران بیگانه و فشار و رژیم های خودکامه و فردی مخالف با مردم سالاری و حاکمیت ملی رود رو بوده اند. فشار و زندان و شکنجه نتوانسته است آنها را از ملی گرایی و تکیه بر فرهنگ ملی و هویت ایرانی دور سازد. روی گرداندن نسل جوان از جریانهایی انحصار طلب پدیده ایست که از چند ماه پس از انقلاب آغاز شد و با رشدی فزاینده همچنان ادامه دارد. روشهای خشنوتبار برخورد با جوانان و در تنگنا قراردادن آنها و یورش هایی که به تشکلهای

جبهه ملی ایران با وجود محدودیت های شدیدی که بر آن حاکم ساخته اند، به دلیل مسئولیت و رسالتی که در برابر ملت ایران دارد، از هر فرصتی بهره می جوید تا بتواند با صراحت لازم شرایط بحرانی کشور را در نشریه پیام جبهه ملی، اعلامیه ها و مصاحبه های با رسانه ها، با ملت ایران و نیز با بر قدرت نشستگان و جناحهای فعال سیاسی درون نظام در میان بگذارد، ملت را آگاهی دهد و حاکمان بر قدرت نشسته و وابستگان آنها را از ادامه روند رویارویی بیشتر با خواست مردم و مصالح ملی، پیش از آنکه همه چیز در هم بریزد، بر حذر بنارد.

ما با صراحت بارها و بارها گفته ایم که با توجه به شرایط بسیار حساس و موقعیت ایران، عملکرد حاکمان ایران در طی دوران پس از رویداد مهم ۱۳۵۷، بر پایه تعریفی روشن از منافع ملی ایران نبوده است. در نتیجه، روز بروز شمار بیشتری از مردم و کسانی که نقش اساسی در سقوط رژیم گذشته و سپردن سکان بدست تشنگان کنونی قدرت بر عهده نداشته اند از بدنه نظام فاصله گرفته اند. بجز گروهی کم شمار که به نحاق به امکاناتی بسیار فراتر از صلاحیت و توانمندی های واقعی شان دسته یافته اند، اکثریت عظیم ملت ایران را ناراضیانی تشکیل می دهند که ضمن برخورداری از نیروی لازم برای ایجاد دگرگونیها و به سامان در آوردن اوضاع، برای آنکه مقاومت انحصارطلبان موجبات آشفتگی کشور را فراهم نسازد تا بحال دندان بر جگر گزارده و فشارهای همه جانبه را تحمل کرده اند. بسیاری از این مردم به سازمانهای ملی شناخته شده و بویژه به جبهه ملی ایران، از اینکه معتقد به روند اصلاح طلبانه در مبارزات خود هستند خرده می گیرند و ما را مورد سؤال قرار می دهند که تا کی باید سکوت کنند و آرامش خود را حفظ نمایند. ما به خوبی آگاهیم که چگونه شماری از رسانه های برون مرزی مدت هاست می کوشند تا مردم را از امید بستن به حرکت اصلاح طلبانه ناامید سازند، و چاره کار را در یک حرکت تند می بینند. اما ما باور داریم که شرایط ویژه کشور و نارسایی های گذشته هم مردم و فقر فراگیر در سراسر ایران، میهن ما را در موقعیتی قرار داده است که یک خیزش عمومی می تواند شدت منافع ملی را با خطر مواجه سازد و سه اصل مهم یکپارچگی کشور، استقلال و همبستگی ملی را آسیب پذیر سازد. این اعتقاد ما زاینده فشار شدید نظام بر ما و وحشت از

دشواری مربوط به برقراری روابط با آمریکا؟!!

روزنامه رسالت به تاریخ ۱۳۸۱/۰۴/۰۱ در صفحه سوم خود از قول شیخ محمدتقی مصباح یزدی (در سخنرانی پیش از خطبه‌های مراسم نماز جمعه) آورده است: «در مقدس‌ترین جایگاه رسمی کشور، سخنانی علیه نظام و اسلام گفته می‌شود و پیشنهادهای می‌شود که به معنای بی‌یاد دادن خون صد هزار شهید اسلامی و انسانی، اسلامی و ملی ما است.»

چندی پیش، در خطبه‌های نماز جمعه تهران که به امامت آقای هاشمی رفسنجانی برگزار شد، ایشان به صراحت به دنبال سخنان پیشین خود اعلام داشتند که اگر آمریکا دست از سیاست‌های لجبازانه خود بردارد، ما نیز حاضر به برقراری رابطه هستیم، چگونه است که وقتی یک نهاد نامتنبخ که رییس و اکثریت قریب به اتفاق اعضای آن دست در ملت ایران را در انتخاب‌های مختلف، بر سینه خود احساس کرده‌اند، برای انجام هر کاری بنام ملت آزادند، اما اگر در صحن مجلس که نمایندگان منتخب ملت در آن هستند، چنین مسأله‌ای عنوان شود و اکتش‌های حساد از سوی مقام‌های انتصابی رخ می‌دهد؟ ظاهراً دشواری در برقراری روابط با آمریکا نیست، دشواری آن است که این مسأله به نام چه کسانی تمام شود. ■

ایران باید با دولت کرزای همسویی مؤثر داشته باشد

دکتر داوود هرمیداس باوند، عضو شورای رهبری جبهه ملی ایران، در مصاحبه با خبرنگاری ایسنا گفت: «مصلح ایران اقتضا می‌کند که با دولت کرزای همسویی مؤثر در پیش گیرد.»

وی یادآور شد: «آمریکاییها درصددند حضور بیشتری در افغانستان داشته باشند و در ایجاد نیروی دفاع افغانستان، سیستم پلیس و اطلاعاتی در افغانستان اقدام خواهند کرد، با توجه به چنین نقش و جایگاهی که آمریکا برای خود در افغانستان پیش‌بینی کرده است و دولت موجود نیز به خوبی بقای خود را در گرو آمریکا می‌داند، ایران باید با موضوع گیر بر اساس مقتضیات روز و حسن همجواری در زمینه‌هایی که امکان همکاری وجود دارد، همکاری را گسترش دهد.»

راه منطقی این است که حسن همجواری رعایت شود. همانطور که اعلام شده بود ایران باید در بازسازی افغانستان در کوتاه مدت، و میان مدت و بلندمدت مشارکت مؤثر داشته باشد.»

«تنها مسأله که ممکن بود مخالفت‌های نسبی با آن وجود داشته باشد و ممکن بود ثبات را بر هم زند، جایگاه ظاهرشاه بود که فشارهای خارج و داخل موجب شد که ظاهرشاه به عنوان پسر افغانستان نامیده شود.»

وی افزود: «محمد ظاهرشاه و بیانی، دولت کرزای را به عنوان دولتی که تا دو سال دیگر، امور را در دست خواهد گرفت و به تدوین قانون اساسی افغانستان خواهد پرداخت، تأیید کردند و بدین ترتیب دیگر الترناتیوی برای دولت کرزای نمی‌توان در نظر گرفت.»

وی در خصوص نقش کشورهای فرامنطقه‌ای در آینده افغانستان اظهار داشت: «حمایت قدرتهای فرامنطقه‌ای که نقش عمده‌ای در تغییر وضع افغانستان و برقرار شدن دولت موقت داشتند را نمی‌توان نایده گرفت بنابراین نظر موافق آنها نقش اساسی داشته است.»

دولت افغانستان برای بقای دولت نیاز به ثبات و امنیت دارد بنابراین مصلحت و منافع دولت ایران و همچنین منافع دولت افغانستان اینگونه اقتضا می‌کند که با دولت کرزای یعنی واقعیت موجود، راه همسویی و همکاری را در پیش گیرند، وی افزود: «در تلفیق نظام، سعی شده است موازنه‌ی نسبی منصفانه‌ای با همه‌ی گروهها وجود آید و همچنین افراد یا گروههایی که قبلاً مورد حمایت ایران بودند و پشتیبانی خود را از کرزای اعلام داشته‌اند، که این گروهها نیازمند حمایتند.»

وی در پایان گفت: «در ترکیب آتی دولت کرزای انتظار می‌رود که ترکیب قبلی همچنان حفظ شود و تغییر اساسی در مشارکت سایر گروهها بخصوص تاجیکها، ازبکها و ... پیش نیاید.» ■

جوانان تحمل کنند!

ما از جوانان و دانشجویان عزیزمان می‌خواهیم که ستمگرها و حرکات تحریک‌آمیز گروه‌های معلوم الحال را با هشجاری تحمل کنند و بهانه بدست آنان که با ایجاد آشوب، رؤیای کودتای نظامی را در سر می‌پروراند ندهند. ■

جامعه ایران دیکتاتورپذیر نیست

دکتر ورجاوند در گفتگو با خبرنگار سیاسی ایسنا اظهار داشت: «جامعه ایران به هیچ وجه جامعه‌ای استبدادزده و دیکتاتورپذیر نیست و سراسر حرکت‌های اساطیر ایرانی حاکی از این است که جامعه ما استبدادپذیر نبوده است.»

در جوامع مختلف معتقدند مسأله آزادی سیاسی مفهوم بسیار روشنی دارد و در برخی موارد نیز معتقدند که آزادی به شرایط خاص حاکم بر آن سرزمین بر می‌گردد. در جوامعی که سازمان‌های سیاسی بصورت حزب، به معنی واقعی کلمه وجود دارد، و حکومت پارلمانی در آنجا مستقر است و مسأله حق حاکمیت ملی به معنی واقعی مورد قبول حاکمیت و مردم است، آزادی سیاسی ابعاد گسترده و خاص خود را دارد و محدودیتها بشدت تقلیل می‌یابند.

در جوامع دیگر از جمله برخی کشورهای جهان سوم، پدیده آزادی سیاسی را حاکمیت تعیین و معنا می‌کند یعنی این حاکمیت است که حدود و مرزهای سیاسی را تعیین می‌کند و در زمینه شکل یافتن سازمان‌های سیاسی به اصطلاح محدودیتها و اما و اگرها را بوجود می‌آورد، از اینرو در اغلب کشورهای جهان سومی شاهد حرکت‌های کودتاگونه هستیم، زیرا حکومتها سعی دارند ابزار قدرت مطلقه را در دست داشته باشند.

وی در خصوص اینکه برخی جامعه ایران را بطور سنتی جامعه‌ای استبدادزده و دیکتاتورپذیر می‌دانند، گفت: بیان این مسأله نوعی برخورد منفی و ناآگاهانه است که متأسفانه شماری از اهل قلم به آن می‌پردازند. اکثر کسانی که می‌خواهند در زمینه توجیه نبود آزادی سیاسی در ایران سخن بگویند به این مسأله استناد می‌کنند که نبود آزادی سیاسی بدلیل ساختار روان‌شناسی اجتماعی حاکم بر جامعه ایران است و برای اثبات این نظر وجود حکومت پادشاهی هزاران ساله در ایران را دلیل می‌آورند؟

وی بنیان گذاران این نظریه و دیدگاه را مارکسیست‌ها و یا کمونیست‌های ایران دانست و ابراز عقیده کرد: «با کمال تأسف شماری از قلم به دستان غیرمارکسیست نیز به این قضیه پرداخته و با همین دیدگاه و بکار بردن عنوان‌های ستم شاهی و غیره سعی داشته‌اند بیان کنند که ویژگی "نبود آزادی" پدیده‌ای پذیرفته شده از سوی جامعه است. اما مردم ایران به هیچ وجه از چنین خصوصیتی برخوردار نیستند و سمبلی بنام کاوه نشانگر این مسأله است و مردم ایران هزاران بار در قبال سلطه‌گران خارجی و در برابر سلطه گران داخلی به مبارزه برخاستند. جامعه ایران، جامعه‌ای است که نسبت به پدیده آزادی شناخت روشنی دارد و در طول زمان و در بسیاری از مقاطع تلاش برای کسب آنرا شاهد هستیم. ■

صراحت روزنامه نگاران، پس از دوم خرداد موجب پویایی جامعه شد.

ورجاوند: در مصاحبه‌ی دیگری با ایسنا گفت: اصلاحات آغان شد تا بدور از تلاطم‌های شدید و زیرزمینی شدن گروه‌های مخالف و در یک بستر آزادتر بتوان، مسائل مردم را حل کرد و سکنداران حاکمیت را متوجه نارسائی‌ها نمود.

پدیده ی دوم خرداد در کشور گشایشی بوجود آورد. بدلیل اینکه صحبت و سخنانی از سوی رئیس جمهور مطرح شد که این سخنان قبلاً از سوی چنین مقامی بیان نشده بود بنابراین با طرح آن، شرایطی بوجود آمد تا نشریات و روزنامه‌های مختلفی با مسایل که جنبه ممنوعه داشت، آشنا شده و به پدیده آزادی، نقد، بازخواست قدرتها و مسائل حاکمیت ملی بپردازند.

وی تغییر فضای مطبوعات را در ایجاد حرکت بین نیروی جوان بویژه دانشگاهیان بسیار مؤثر دانست و ابراز عقیده کرد: که این حرکت سراغان حضور گسترده مردم در تعیین سرنوشتشان بود ولی متأسفانه کسانی که قدرت را بصورت انحصاری در قبضه داشتند با این مسئله رو در رو شدند و مانور خود را در مقابل مطبوعات با توقیف شماری از مطبوعات و محاکمه و زندانی کردن برخی عناصر مطبوعاتی آغاز کردند. در هر حال صراحت روزنامه نگاران در این دوران تأثیر گذار شد و جامعه ی ایران مقداری از ترس و وحشت خود دور شد در نتیجه پویایی و فعالیت شدن جامعه را شاهد بودیم. شکستن قلمها و خفه کردن صداها بر گلو برای مدتی کوتاه مشکل را حل می‌کند اما بلافاصله تا صدایی در گلوئی خفه شد، صداهای دیگری برمی‌خیزد.

ورجاوند در خصوص اطلاعیه دادگستری مبنی بر اینکه هر گونه صحبت جانبدارانه مذاکره با آمریکا در رسانه‌ها جرم شناخته می‌شود، گفت: به اعتقاد من دادگستری نه تنها برای مطبوعات بلکه برای هیچ کس حق ندارد تکلیف تعیین کند و قوه قضاییه تنها بر مبنای قوانین مصوب مجلس می‌تواند دادگاهی تشکیل دهد. ■

وقتی که اجازه مطالعه پرونده را نمی دهند؟!

پدر احمدباطبی که بدلیل چاپ و تصویر او در نشریات خارجی در حالی که پیراهن خونین یکی از دانشجویان رویداد ۱۸ تیر کوی دانشگاه را در دست گرفته، ابتدا به اعدام و سپس به ۱۵ سال زندان محکوم شده است، به خبرنگاران گفته است: انتظار و امیدی برای آزادی احمدباطبی از هیچکس ندارم ...

در زمان وکالت شادروانان سفیری و خیاطزاده (عضو فقید جبهه ملی ایران) که وکالت دانشجویان و فعالان سیاسی را بطور افتخاری عهده دار بودند، به هیچوجه اجازه خواندن پرونده را به آنان نمی دادند. پس از درگذشتشان اعلام شد که وقتی اجازه مطالعه پرونده را نمی دهند، به چه دلیل وکیل می گیرید؟

وی ادامه داد: «برای آزادی فرزندانم به هر جا که من و فرزندم می دانستیم، نامه نوشتم ولی هیچکس به ما جواب نمی دهد. بله، سزای جوانی که در کار از ما بهتران فضولی کند؟! جز این نمی تواند باشد.»

تهاجمی جدید به اصلاح طلبان به بهانه یک سخنرانی

وقتی سیدهاشم آغاچری در روزنامه فرورد نوشت: «من می گویم درون این قانون [اساسی]، یک مکانیزم کنترلی وجود دارد که آن را دچار ناسازواره و پارادوکس می کند ... همین امر «حاکمیت دوگانه» را به وجود می آورد.

حاکمیتی که دو وجه [انتصابی و انتخابی] دارد و این دو وجه باعث می شود که نظام سیاسی از مبدأ تا نتیجه دچار دوگانگی باشد ...» و ادامه می دهد: «به نظر من راه حل خارج شدن از بحران های پیاپی و بن بست کنونی، تغییر قانون اساسی به نفع یکی از دوگانه های انتصابی یا انتخابی است.»

احتمال حمله گسترده به او کاملاً قابل پیش بینی بود. تا اینکه سخنرانی او در سالگرد درگذشت دکتر شریعتی در همدان این فرصت را بوجود آورد، و نه تنها او بلکه کل اصلاح طلبان را در پوسته دفاعی فرو برد و حتی برخی چون کربوبی به انتقاد از او پرداختند تا حربه مخالفین را کند کنند. و خود او در نامه ای به رئیس مجلس رسماً اعلام می دارد: «وظیفه خود می دانم که اگر در کلام من سهوی رفته است که موجب ازردگی شما و مراجع و روحانیون مستقل و مردم سالار گردیده، رسماً از خود انتقاد کرده و از بابت آن، از آنان و دینداران راستین عذر می خواهم. البته اصلاحاتی که بنیان آن با توسل مخالفان به جمله هایی از یک سخنرانی در یک محفل محدود فرو بریزد، خود قابل تأمل و بررسی و تعمق است.»

جوانان زیر فشارهای مضاعف

اطلاعات و آثارهای منتشر شده درباره شرایط روحی و روانی قشر جوان جامعه، اوضاع نگران کننده ای را ترسیم می کند. افسردگی، ناامیدی، خشم های فروخورده یا به اعتیاد و خودکشی منجر می شود یا به طغیان و پرخاشگری، که هر دو مخرب و منهدم کننده سلامت امروز و آینده کشور می باشد. در این میان خبرهای دریافتی و مشاهدات عینی نشان می دهد که نیروهای یگان و ویژه نیروی انتظامی که در قالب پلیس ۱۱۰ خدماتی داشته اند، در برنامه های جدید، مشابه مامورین امر به معروف و نهی از منکر، به جان جوانان افتاده اند تا نه به مبارزه یا جرم های ضد اجتماعی بلکه به مبارزه با پاره ای از رفتارهای سلیقه ای آنها برخیزند و آن ها را حتی با ضرب و شتم در محل ارب کنند! چنین رفتاری بدون شک به عصیان جوانان دامن خواهد زد و خدمات پلیس را مخدوش خواهد کرد. راه چاره جز این است. جرایم را باید از موارد تخلفات اخلاقی تفکیک کنیم و برای برخورد با آنها اولویت ها را در نظر بگیریم. سرنویشت و نتایج رفتار طالبانی پیش روی ما و پیش روی تاریخ قرارداد از آنها عبرت بگیریم. ■

آقای بادامچیان

پایان بازی دوم خرداد کجاست؟!

«بیامی که حتماً توسط جناب آقای بادامچیان و دیگر دوستان هم گروهشان نیز دریافت شده است و آن اینکه نه تنها بازی دوم خرداد پایان خوشحال کننده برای جناح چپ نخواهد داشت از سوی دیگر این پایان برای جناح راست غمگینانه تر خواهد بود.

سؤال اساسی این است که حتماً بادامچیان خود نیز به این پرسش اندیشیده است که به راستی پایان بازی دوم خرداد کجاست؟ این کشمکش، تنش و معاجه بین رقبای سیاسی تا کجا ادامه خواهد داشت، پایان هر چه باشد مطلوب نظر وی و هم جناحی هایش نیز نخواهد بود همانگونه که این سرانجام به روالی که جناح مقابل نیز می خواهند شکل نخواهد گرفت، آنان - هر دو گروه - باید سخت اندیشه کنند که پایان به گونه ای رقم نخورد که به قول شیخ مهدی کربوبی نه از تاک نشان ماند نه از تاکنشتان.» ■

نقل از روزنامه ابرار ۱۱ تیر ۱۳۸۱.

اخبار جبهه

جلسه شورا

جلسه ماهانه شورای مرکزی جبهه ملی ایران در روز ۳۰ خرداد بریاست ادیب برومند تشکیل جلسه داد. در طی این جلسه، تاریخ برگزاری پلنوم جبهه ملی ایران حداکثر تا یکم شهریور ۱۳۸۱ تعیین و باتفاق آراء تصویب شد.

در جلسه فوق العاده شورای مرکزی در تاریخ پنجم تیرماه ۱۳۸۱، آیین نامه پلنوم تصویب شد و هیئت اجرایی موظف شد که ترتیب انتخابات سازمان ها و حوزه ها هر چه زودتر بدهد. آقایان حسین شاه حسینی، دکتر سعیدی و حسین راضی بسمت هیئت نظارت انتخاب شدند. ■

جبهه ملی از خارج نماینده نمی پذیرد.

در پاسخ به نامه ها و پیام های اظهار علاقه به شرکت در پلنوم جبهه ملی ایران، به این وسیله اعلام می شود که به علت حساسیت شدید هیئت حاکمه ایران نسبت به تماس سازمانی جبهه با خارج از کشور و ارزیابی برجسب و تهمت زدن، و جهت جلوگیری از بهانه جویی انحصارگران صاحب قدرت، سیاست عدم تماس با هیچ سازمان سیاسی خارج از کشور و عدم پذیرش هیچگونه کمک مالی، حتی از اعضای جبهه ملی که در خارج از کشور بسر می برند، همچنان پابرجاست. ■

روابط عمومی جبهه ملی ایران

جوان گرایی در جبهه ملی

استقبال پرشور جوانان و دانشجویان کشور از سخنرانی ها و مصاحبه های اعضای شورای مرکزی و آرمانه های جبهه ملی ایران و رشد عظیم ملی گرایی، ایران گرایی و بازگشت به ارزشهای ملی هزاران ساله در میان جوانان باعث شده که درخواست های زیادی برای عضویت دریافت شود. جبهه ملی ایران با توجه به جو اختناق موجود و خطرناکی که ممکن است نزدیکی به جبهه ملی برای جوانان ایجاد کند، کما اینکه در برخی شهرها مانند قزوین این واقعه روی داده است، اعلام می کند که فعلاً امکان پذیرش عضویت برای جبهه ملی بسیار بسیار محدود است.

با وجود این، در بسیاری شهرها گروه های دانشجویی خود را هوادار جبهه ملی اعلام می کنند و درخواست پذیرش دارند. از جمله سازمان های دانشجویی فعال که اخیراً عضویت آنها در جبهه ملی ایران تصویب شده سازمان آزاد ملی ایران در اهواز است که فعالیت گسترده ای در سطح استان خوزستان دارد و نشریات متعددی را در ترویج آرمانهای جبهه ملی و آزادیخواهی و مردم سالاری و حاکمیت ملی نشر می کند. ■

بزرگداشت ادیب برومند

انجمن فردوسی در روز آدینه ۲۱ تیر ۱۳۸۱، ساعت ۶:۳۰ بعدازظهر، آیین برای بزرگداشت عبدالعلی ادیب برومند، شاعر ملی و رئیس هیئت رهبری جبهه ملی ایران، در محل انجمن برپا خواهد داشت. ■

نشریه پیام جبهه ملی یا کمک های مالی شما

خوانندگان گرامی اداره می شود.

گفتگو را خردمندانه آغاز کنید، غیرت در آن مستتر است.

حمله نظامی آمریکا به عراق

همانگونه که انتظار می‌رفت، با وجود مخالفت ظاهری جامعه اروپا، بنظر می‌رسد که آمریکا مصمم به حمله به عراق برای سرنگونی صدام حسین است، و نوع تحرکات نظامی اخیر آمریکا در ترکیه، و خلیج فارس نشانگر نزدیک بودن چنین حمله‌ایست.

یک دهه پیش، در جریان حمله نظامی آمریکا و متحدانش به عراق، آمریکا از فرصتی طلایی برای سرنگونی صدام حسین بهره‌مند بود، که طبق گفته برخی فرماندهان و سیاست‌گزاران وقت، آنها دستور گرفته بودند که از این کار پرهیز کنند. دلیل آنها، حفظ صدام بعنوان یک دشمن تهدید کننده برای ایران بود. پس از گذشت یک دهه، روابط آمریکا با ایران تغییری نکرده، ولی خود آنها متوجه اشتباه خود شده‌اند که صدام حسین برای همه جهان و حتی آمریکا خطرناک است، و اکنون درصدد جبران اشتباه خود برآمده‌اند. همان اشتباهی که روزولت و این‌هاور در خودداری از فتح برلین توسط متفقین کردند و اجازه دادند ارتش شوروی تا وسط برلین پیشروی کند، و در نتیجه فاجعه دیوار برلین روی دهد.

ما نیم قرن است که چوب اشتباهات سیاست خارجی آمریکا را می‌خوریم، و تا زمانی که آمریکا قدرت مطلقه باشد این اشتباهات ادامه خواهد داشت. کم‌اینکه در برخورد آمریکا با ایران در افغانستان و در برخورد آمریکا با ایران در جامعه جهانی، همین روند کور و نابخردانه ادامه داشته است. زیرا کسی که از قدرت مطلقه برخوردار است، انگیزه‌های برای گوش دادن با استدلال دیگران، سازش یا احترام به منافع و مصالح دیگران ندارد. ما این مسئله را حتی همیشه در ایران با حکومت‌های خود داشته‌ایم و هنوز دست بگریبان آن هستیم.

دولت ایران بایستی هشیار باشد که در صورت حمله آمریکا به عراق، رفتارش آنگونه باشد که نه بهانه بدست آمریکا بدهد که در ایران ماجراجویی کند، و نه لطمه‌ای به یکپارچگی عراق بخورد.

در شرایط حاضر، تجزیه عراق، حتی اگر هم که جنوب شیعه آن گرایش به ایران داشته باشند، بسود منافع ملی ما نیست. ■

"گسست" نامید. آنچه هست، ناموزون و ناهماهنگی است. ما وظیفه داریم که هر چه زودتر بگونه‌ای هماهنگی دست یابیم. آسان هرگز خنثی نیست، چرا که عمل کننده است. مشروعیت خود را همواره فقط از اعمال خود می‌توان گرفت.

تاریخ تمدن جهان نیز تمدنی تکامل گرایانه و دارای پیشرفتی برگشت‌ناپذیر، ایست‌ناپذیر و گاه ویرانسان است. تمدن غرب نیز مانند هر تمدن مفروض دیگری دو چهره دارد:

الف - چهره مثبت، فخر و سازنده.

ب - چهره خشن، استیلاگر و متجاوز.

وقتی آقای رئیس جمهوری آمریکا از دخالت آن دولت در کودتای ۲۸ مرداد ۲۲، پرده بر میدارد، صریح‌ترین معنای دیپلماتیک این سخن که پیشتر فاش شده است که دولت آمریکا خود را در قتل قندچی، بزرگ‌نیا، شریعت رضوی، و همه اختناق و استبدادی که از آن پس تا بیست و پنج سال بر ما گذشت و نهایتاً ملت ایران را مجبور به انقلابی دیگر ساخت دخیل و مسئول می‌داند. اخلاق و معنویت حکم می‌کند که حاکمیت ایران نیز شهروندان خود را به دو درجه بخش نکند، و اگر شهروندان را به یک دوران کودتا به هر دلیل متحمل خساراتی نشدند، چشمش را به روی خسارات جانی و مالی شهروندان درجه ۲ نبندد. البته تمامی مردم ایران از کودتای انگلیسی-آمریکایی ۲۸ مرداد زیان دیدند، اما بی گفتگو، سنگین‌ترین خسارات متوجه جبهه ملی ایران بود که افزون بر مواضع قدرت سیاسی یاران دلیری چون سرتیپ افشار طوس (رئیس شهربانی کل کشور) دکتر سیدحسین فاطمی (وزیر امور خارجه) لطفی (وزیر دادگستری) و کریم پور شیرازی (روزنامه نگار) را برای همیشه از دست داد. زنده یاد دکتر محمد مصدق و جمع پرشماری از یاران دلیرش نیز مدت‌ها در زندان و تبعید بسر بردند.

"غیرت" یعنی حفظ ناموس، و طبعاً غیرت سیاسی معنای حفظ ناموس ملی را می‌دهد. بخش بزرگی از ناموس ملی ما در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۲۲، بر باد رفت و تا امروز هرگز کسی خود را مسئول دفاع از این ناموس نشناخته است. شما مذاکره را اینگونه آغاز کنید، هم متضمن "غیرت" است و هم تنبّه غیر. ■

امروز به هویت ملی و مذهبی جامعه ما هویت دیگری افزود شده که از "مدرنیته" منبعث است، یعنی مجموعه‌ای از آرا و مفاهیم سرشار از نوآوری که سرچشمه آن جهشهای بزرگ علمی غرب است. از سوی دیگر، چه بخواهیم و چه نخواهیم با مشارکت خود در انقلاب ۱۳۵۷، عصر نوینی را در تاریخ میهن خود بنا نهاده‌ایم که اینک نیاز به یک جهش تاریخی دارد تا در سطح مبتدل فعلی حیات درونیش معطل و حیران نماند و بتدریج، آنچنانکه شاهدیم، نیوسد و نهایتاً تبدیل به پدیده‌ای جهان پسند شود خبرهایی از این دست که:

سالانه بیست هزار نفر در تهران اقدام به خودکشی می‌کنند.

۱۳۸۱/۰۳/۱۲ دکتر شیخاوند:

"ما داریم خود زنی می‌کنیم، همه شمشیر کشیده‌ایم که آبروی یکدیگر را ببریم".

۱۳۸۱/۰۳/۱۶ رئیس مجلس

وحید صادقی برای اخذ پناهندگی سیاسی مبادرت به خویشن آزاری و انجام زخم و جرح بر بدنش کرد. «۲۰۰ دانشجوی در سیال اقدام به خودکشی کرده‌اند» ۱۳۸۱/۰۲/۲۵ معاون وزیر علوم فقط مشتکی از خوارهاست و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. اما بیان درد به تنهایی چه حاصل که شکوفایی ملی بدون توسعه مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ممکن نیست.

ما شدیداً نیاز به نوآوری هدفمند داریم و اگر مدرنیته غرب نخست در زیباشناسی و ادبیات رخ نمود، ما می‌توانیم نوآوری را با اخلاق و معنویت آغاز کنیم، یعنی به چیزی تمسک جوئیم که با گروه خونی ما ایرانیان همخوانی زیادی دارد، و جهانیان نیازمند آنند. امروز جامعه ما بطور گسترده شاهد پرسش و تردید از کاریست که ربع قرن پیش انجام داده‌ایم و اگر نتوانیم سریعاً پاسخی شایسته برای این پرسش بنیادین پیدا کنیم، نه تنها همه زحمتمان در گذشته تباہ شده است، برای آینده نیز هیچ دورنمای روشنی نخواهیم داشت. بقول معروف، در این صندوق جز لعنت نباشد.

امروز، وضعیت ویژه‌ای در جامعه ما ایجاد شده که به آن می‌توان وضعیت "انفصال" یا

دادگستری

گر کشوری نه بهره‌ور از دادگستریست در سایه عدالت و امن و سلامت است داد و دهش صفات بزرگان نامور 'داد' است و 'حق' که ضامن اقبال و عزتست چون پایه‌های عدل بود لزره ناپذیر و زانکه داد ره نبرد سوی دادگاه ملت به تختگاه سعادت کند جلوس نفرین به داوری که نشد پشتوان حق میزان عدل گر نه به دست فرشته است بدبخت کشوری که در آن دادرس نماند هر جا فساد رخنه کند دفع و رفع آن وای ار شود مقام قضا آلت غرض قاضی به پاس عدل ز اقران فراترست پاینده باد حق و عدالت به هر دیار

بی بهره از سعادت و سالاری و سربست گر ملتی رسیده به اقصای سرور نیست صدق و صفا مدار مدیران رهبر نیست بیدادو جور مایه ادبار پرور نیست ملت ز هر یله در آسوده خاطر نیست در راه جور و مظلّمه بیدادگر جریست مسندنشین داد ز اغراض، گریب نیست کو را به پیشگاه زر و زور چاکریست اهریمن فساد، قپاندار حق بریست کاین بدترین نمونه از آفات کشوریست برعهده‌ی مقام قضا با دلاوریست یا آیت فساد که این ننگ داوریست و ر نه به پایه از همگان در فروتریست این گفته‌ی «ادب» ز تکلیف شاعر نیست

ادیب بر موند

دانشجویان را آزاد کنید!

بحال حکومتی باید گریست که برای بقای خود مجبور باشد دانشجویان خود را زندانی کند.

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

جبهه ملی ایران

«در اروپا»